

محمدحسین حدادی

استادیار دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران

تاریخ وصول: ۸۳/۱۰/۵

تاریخ تأیید نهایی: ۸۳/۱۱/۲۷

#### چکیده

بهره‌گیری از رویدادها و شخصیت‌های تاریخی توسط درام‌نویسان با تلفیقی از التزام به واقعیات روی داده و آزادی عمل در خلق درام‌هایی متناسب با روحیات و افکار نویسندگان آن، شکل‌دهنده نوع ادبی خاصی به نام درام تاریخی است. اگر چه این نوع ادبی در تاریخ ادبیات آلمان، تا قبل از دوره «توفان و طغیان»<sup>۱</sup>، دارای هویت بود، ولی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار نبود. در این دوره، درام تاریخی آلمان با الگو گرفتن از درام‌های تاریخی بی‌نظیر ویلیام شکسپیر، که به خصوص یوهان ولفگانگ فون گوته، نویسنده نامدار آلمانی، از او الهام گرفت، به اوج شکوفایی خود رسید. در کنار گوته، نویسندگانی چون فریدریش فون شیلر و هایتریش فون کلايست نیز به درام تاریخی آلمان هویت خاصی بخشیدند. در دوره‌های «کلاسیک» و «رمانتیک» درام تاریخی آلمان به حیات خود - البته نه به شکوفایی دوره «توفان و طغیان» - ادامه داد. تأثیر عظیم شکسپیر بر درام تاریخی آلمان در دوره‌های بعدی کمرنگ‌تر شد، اما این تأثیر تا شروع عصر فناوری و گرایش به مدرنیسم پابرجای ماند، به طوری که نویسندگان دوره‌های مختلف ادبی از آثار شکسپیر در خلق درام‌های تاریخی نصیب بسیار بردند.

واژه‌های کلیدی: درام تاریخی، توفان و طغیان، کلاسیک، رمانتیک، مدرنیسم.

## مقدمه

نویسندگان بسیاری در دوره‌های مختلف ادبی آلمان، شخصیت‌ها و رویدادهای تاریخی را کانون توجه خود قرار داده و از موضوعات مختلف تاریخی، که در آن موضوعات مذهبی نیز از جایگاه خاصی برخوردار بوده‌اند، در خلق آثار ادبی و به خصوص درام تاریخی، بهره جسته‌اند. درام تاریخی به عنوان یک نوع ادبی، که تلفیقی از گذشته و حال، ایده‌آلیسم و رئالیسم می‌باشد، تا قبل از دوره «توفان و طغیان» مورد توجه خاصی قرار نگرفت. نویسندگانی که در این دوران به نوشتن آثاری از این نوع پرداخته‌اند، بیشتر به جنبه‌های مذهبی آن توجه داشته‌اند، که آن را هم در خدمت نظام حاکم قرار داده و از بعدی آموزشی به آن نگریستند. این عوامل باعث شدند، که تا قبل از دوره «توفان و طغیان» هیچ نویسنده‌ای موفق به خلق اثری مهم، که بتوان از آن در درام تاریخی ادبیات آلمان نام برد، نشود. الگوپذیری درام‌نویسان آلمانی در دوره «توفان و طغیان» از درام‌های تاریخی شکسپیر و توجه خاص گوته و شیلر به این نوع ادبی و رعایت اصول مربوط به آن چنان تحول عظیمی در این نوع ادبی ایجاد کرد، که تأثیر آن تا شروع جنگ جهانی اول نیز پایدار ماند و نویسندگان بسیاری، آثار عظیمی در این زمینه خلق کرده‌اند. شکوفایی درام تاریخی توسط گوته در آلمان باعث شد، که بسیاری از درام‌نویسان آلمانی با الگو قرار دادن درام‌های تاریخی این نویسنده، به غنای ادبی این گونه آثار در تاریخ ادبیات آلمان بیفزایند.

مقاله زیر نگاهی به درام تاریخی و سیر تحول آن در ادبیات آلمان دارد و با ذکر نمونه‌هایی عینی، تفاوت‌های آشکار میان شخصیت‌ها و رویدادهای ارایه شده در درام‌های تاریخی با حقایق تاریخی را مورد بررسی قرار می‌دهد. علت توجه همزمان به درام تاریخی و سیر تحول آن در مقاله، این است، که برای شناخت درام تاریخی، به بعد تاریخی و سیر تحول آن نیز باید توجه داشت.

## بحث و بررسی

### ساختار درام تاریخی

درام تاریخی پیوند دهنده وقایع گذشته و کنونی برای رسیدن به تفکری ایده‌آل در زمان حال است و در عین حال، نگاهی نیز به آینده احتمالی دارد (هینک، ۱۹۸۱، ص ۱۴). این دید، که همیشه بر ساختار درام تاریخی حکم فرما بود، درام‌نویسان آلمانی، چون گوته، شیلر و کلايست، را برانگیخت، تا با نگاه ویژه خود به شخصیت‌ها و رویدادهای تاریخی به عنوان موضوعات مورد بحث، به درام تاریخی در آلمان شکل و هویت خاصی داده و به این نوع ادبی در تاریخ ادبیات آلمان جایگاه ویژه‌ای بخشیدند. از اهداف ویژه چنین نویسندگانی، نه فقط بیان گوشه‌ای از حقایق تاریخی، بلکه ایده‌آل‌سازی آن نیز بود.

تفاوت عمده درام تاریخی با اثر تاریخی در این نکته نهفته است، که درام تاریخی یک رویداد احتمالی گذشته و اثر تاریخی یک رویداد حقیقی گذشته را به تصویر کشند. البته باید اذعان داشت، که درام‌نویسان، این رویداد احتمالی را با تغییراتی اندک و متناسب با رویدادهای واقعی خلق می‌کنند و در آثار خود بایستی تا حد ممکن از ایده‌آل‌سازی افراطی و گم کردن وقایع تاریخی در بطن اثر صرف‌نظر کنند. از نظر نباید دور داشت، تعداد کسانی که بر این عقیده‌اند، که درام‌نویس فقط باید نام‌ها و شخصیت‌ها را از تاریخ برگزیند و در خلق چه‌گونگی رویداد آزاد است، کم نیستند و بسیاری این رویه را در درام‌های تاریخی خود دنبال کرده‌اند.

اصلی که در هر حال در مورد درام تاریخی صادق است و کلیه درام‌نویسان تاریخی نیز به آن توجه داشته‌اند، این است، که چنین نویسندگانی، این آزادی عمل را حق مسلم خود می‌دانند که با تغییراتی متناسب با افکار و ایده‌های خود در رویدادها و شخصیت‌های تاریخی گذشته، آن‌ها را با موقعیت کنونی خود انطباق داده و با استفاده از بستر امکانات فراهم شده، به اهداف خود دست یابند.

نقطه مقابل نویسندگان درام تاریخی، مورخان قرار می‌گیرند، که ملزم به رعایت حقایق تاریخی بوده و متعهدند تا در بیان حقایق گذشته از کلیه امکانات موجود استفاده کنند و حق هیچ‌گونه دخل و تصرف و تغییر و تحریف در آن را نداشته باشند. مورخان با به تحریر درآوردن حقایق گذشته و مستندات تاریخی نقش بزرگی در زنده نگاه داشتن رویدادهای تاریخی و شخصیت‌های تأثیرگذار بر آن داشته و دارند.

برای نویسندگانی که به نوشتن درام‌های تاریخی پرداخته‌اند، شخصیت‌ها و رویدادهای تاریخی بهانه‌ای برای عبرت گرفتن از تاریخ، نگرشی انتقادی به آن و اتخاذ راه و روشی مناسب در زمان حال نیز بوده‌اند. به عبارتی باید گفت، که آن‌ها به گونه‌ای در صدد تحمیل افکار خود در درام‌های تاریخی بوده و در کنار التزام به واقعیات تاریخی، از آزادی عمل در خلق شخصیت‌ها و رویدادهای مطابق امیال خود، بهره گرفته‌اند. این امر خود بیانگر این نکته است، که درام تاریخی برای کسانی که در پی کشف حقایق تاریخی‌اند، به هیچ وجه مرجع مناسبی به حساب نمی‌آید و

به آن فقط باید به دید یک نوع ادبی، که از موضوعات تاریخی بهره جسته است، نگاه کرد.

چنین امری را نمی‌توان فقط مصداق درام تاریخی دانست، بلکه در بسیاری از انواع ادبی دیگر نیز، ادبا با دخل و تصرف در حقایق گذشته، که نمونه آن را در تاریخ ادبیات ایران می‌توان در شاهنامه فردوسی نیز به خوبی و روشنی مشاهده کرد، شخصیت‌ها و رویدادهای تاریخی را مطابق میل خود به تصویر کشیده و به آن‌ها از دیدگاه و افکار خاص خویش و متناسب با زمان، هویت ویژه و خاصی بخشیده‌اند.

شاید لازم به ذکر باشد، که بتوان در انواع ادبی خارج از درام تاریخی مواردی نیز یافت، که بیانگر حقایق تاریخی باشند، اما ویژگی اصلی درام‌های تاریخی، تلفیق رآلیسم و ایده‌آلیسم، گذشته و حال، است، امری که در نزد عده‌ای از درام‌نویسان تاریخی آلمان نیز مورد توجه قرار نگرفته است. بعضی از نویسندگان درام تاریخی به تلفیقی از واقعیت‌های تاریخی با ایده‌آل‌های خود و متناسب با زمان حال نپرداخته و بیشتر در جهت ایده‌آلسازی حقایق تاریخی گام برداشته و آن‌ها را برای نیل به اهداف خود به گونه‌ای به تصویر کشیده‌اند که از واقعیت بسیار فاصله می‌گیرند. چنین نویسندگانی با این ترتیب، به ماهیت درام تاریخی، که تلفیقی از گذشته و حال، رآلیسم و ایده‌آلیسم است، خدشه وارد می‌کنند.

ارسطو، فیلسوف بزرگ یونانی، از اولین کسانی بود که آشکارا به تفاوت بین مورخ و ادیب اشاره کرده و بر این نکته که مورخ موظف به تصویر واقعیت روی داده در گذشته و نویسنده آثار ادبی، با موضوعاتی برگرفته از تاریخ، مخیر به تصویر رویداد احتمالی گذشته می‌باشند، تأکید ورزیده است (ارسطو، ۱۹۸۱، ص ۲۹). گوته نیز در گفت و گوی مورخه نوزدهم اوت سال ۱۸۰۶ خود با مورخ آلمانی هاینریش لودن، Luden, Heinrich (۱۸۷۴-۱۷۸۰)، با بیان این‌که نویسنده، دنیایی آزاد و بر اساس آمال و آرزوهای خود می‌سازد، اذعان داشته است، که دست مورخ برای چنین کاری بسته است. از دیدگاه گوته، مورخ موظف است، واقعیات تاریخی را آن‌گونه که روی داده‌اند، و شخصیت‌های تاریخی را آن‌گونه که بوده‌اند، به تصویر بکشد و حق هیچ‌گونه تحریف و دخل و تصرف در حقایق تاریخی را ندارد و باید در بیان حقایق امانت را رعایت کند (گوته، ۱۹۴۹ الف، ص ۴۷).

برای تکمیل عبارات بالا، جالب است، که دیدگاه شیلر را نیز در این باب یادآور شویم. این نویسنده برجسته آلمانی در نامه‌ای که در تاریخ بیستم اوت ۱۷۹۹ به گوته نوشته است، موقعیت درام تاریخی را درک کرده و تأکید می‌ورزد، که وظیفه نویسندگان درام تاریخی، فقط انتخاب اشخاص و زمان از تاریخ است و چه‌گونگی سیر آن را باید آزادانه بیافرینند و آن را به سطحی برسانند، که نشان دهنده رابطه میان رویدادهای حقیقی و احتمالی تاریخ باشد (شیلر، ۱۹۹۰، ص ۷۴۴).

### سیر درام تاریخی در ادبیات آلمان

اولین نشانه‌های درام تاریخی در آلمان را می‌توان در دوره «رنسانس» (۱۶۰۰-۱۶۷۰) جستجو کرد، اما این سبک ادبی در این دوره شکل و هویت خاصی پیدا نکرد و به صورت درام مدرسه‌ای در خدمت دربار و در جهت ارایه واقعیت‌های تاریخی و منطبق با مایه‌های مذهبی شکل گرفت. مهمترین عاملی که باعث شد، بسیاری از درام‌نویسان این دوره آلمان رغبت چندانی به نوشتن درام تاریخی نشان ندهند، این بود، که آن‌ها به این نوع ادبی هنوز به دیده شک و تردید می‌نگریستند.

با چنین دیدگاهی اصلاً نباید تعجب کرد، که در دوره «رنسانس» ذکر آثاری خاص، که از آن‌ها بتوان به عنوان درام‌های تاریخی در ادبیات آلمان نام برد، بسیار مشکل است. ذکر این مطلب نباید این شبهه را در ذهن خواننده ایجاد کند، که در این دوره، درام تاریخی خاصی پدید نیامده است. اگرچه درام تاریخی مدرسه‌ای در دوره رنسانس، سختی با درام‌های تاریخی متحول شده در دوره‌های «توفان و طغیان»، «کلاسیک» و «رمانتیک» نداشت، اما می‌توان آن را به عنوان اولین جرقه و اساس درام تاریخی در ادبیات آلمان قلمداد کرد (زنگله، ۱۹۷۴، ص ۸). از جمله آثاری که می‌توان در زمینه درام‌های تاریخی دوره «رنسانس» ذکر کرد، **پسر گم شده**<sup>۱</sup> (انتشار اولیه در سال ۱۵۴۰) توسط یورگ ویکرام، Wickram, Jörg و هم‌چنین یوسف Joseph (انتشار اولیه در سال ۱۵۴۰) توسط تیبولت گارت Gart, Thiebolt می‌باشند. همان‌گونه که از عنوان این دو اثر هویداست، ایده هر دو اقتباس برگرفته از قصص کتاب مقدس انجیل‌اند.

درام‌نویسان دوره باروک (۱۷۲۰-۱۶۰۰) نیز با وجود تلاش فراوان، در ارایه رویدادها و شخصیت‌های تاریخی در آثار خود، توفیق چندانی در این زمینه نداشتند و بالطبع موفق به خلق درام تاریخی خاصی در این دوره ادبی نشدند (همان، ص ۱۳). اگر هم در این دوره اثری چون یفتیاس Jephthas در سال ۱۶۳۷ توسط یاکوب بالده Balde, Jakob منتشر شده است، باز مانند دوره رنسانس، این اقتباس برگرفته از کتاب انجیل و در پی بیان واقعیات تاریخی بود.

عدم موفقیت در خلق درام تاریخی در دوره «روشنگری» (۱۷۸۵-۱۷۲۰) به گونه‌ای دیگر جلوه کرد. درام تاریخی در این دوره به خاطر توجه نویسندگان به رعایت مسائل اخلاقی و پایبندی به عدم تغییر و تحریف در رویدادها و شخصیت‌های تاریخی شکل خاصی نگرفت. هدف

نویسندگان این دوره در وهله اول بیان حقیقت تاریخی است (همان، ص ۱۷). در این دوره می‌توان از یوهان الیاس اشلگل *Johann Elias Schlegel* به عنوان درام‌نویس تاریخی نام برد، که در سال ۱۷۴۳ به خلق اثر **هرمان**<sup>۳</sup>، که برای اولین بار موضوعی از تاریخ آلمان را در برداشت، همت گماشت.

در خصوص دوره «روشنگری»، این نکته در مورد گوتهلد افرایم لسینگ *Lessing, Gotthold Ephraim*، یکی از پیشروان این دوره در آلمان، قابل ذکر است، که او درام‌نویسان را از تکیه شدید به شکسپیر برحذر داشت و در مورد موضوعات تاریخی بر این نکته اصرار ورزید، که درام‌نویس فقط باید نام‌ها را از تاریخ برگزیند و چگونگی طرح موضوع را خود آزادانه بیافریند. او هم چنین اذعان داشت، که درام‌نویس حق خدشه وارد کردن به شخصیت‌های تاریخی را ندارد (فرنستل، ۱۹۹۱، ص ۱۸۰).

در عصر «حساسیت‌پذیری»<sup>۴</sup> (۱۷۸۰-۱۷۴۰) نویسندگان هنوز قادر به ایجاد فضای لازم در درام‌های خود و انطباق رویدادهای گذشته با زمان حال نبودند و در نتیجه رغبت چندانی برای خلق درام تاریخی از خود نشان نداده‌اند (زنگله، ۱۹۷۴، ص ۳۲). در این دوره، نویسندگانی چون فریدریش گوته و گوتلیب کلوپشتوک *Klopstock, Friedrich Gottlieb* در آثار خود از موضوعات تاریخی استفاده کرده‌اند، اما در صدد نوشتن درام تاریخی بر نیامده‌اند.

عصر «توفان و طغیان» (۱۷۸۵-۱۷۶۷)، دوره الگو گرفتن از شکسپیر و آثار او و تأثیر بالطبع عظیم او بر ادبیات آلمان و به خصوص درام تاریخی بود. بسیاری از نویسندگان این دوره با سرمشق گرفتن از شاهکارهای عظیم شکسپیر، در صدد تحریر درام تاریخی برآمدند (فرنستل، ۱۹۹۱، ص ۲۰۴). عامل مهم دیگری نیز که در کنار شکسپیر، در دوره «توفان و طغیان» به شکل‌گیری چشمگیر و روند رو به رشد و شکوفایی عظیم درام تاریخی در آلمان نقش ویژه‌ای داشت، دیدگاه مذهبی نسبت به رویدادهای تاریخی و تکریم و گرامی داشتن آن‌ها به شکلی منطقی بود (زنگله، ۱۹۷۴، ص ۲۴۵).

از مشخصه‌های بارز دوره «توفان و طغیان»، حس ملی‌گرایی حاکم بر ادبیات و مبارزه فکری در آثار ادبی علیه نظام مستبدانه وقت بود و این ویژگی نمودی عینی در درام تاریخی داشت و در نزد گوته به صورت مبارزه برای آزادی و علیه استبداد و تشویق روح شوالیه‌گری جلوه کرد. گوته بزرگترین نقش را در تحول و شکوفایی درام تاریخی آلمان داشت. او با الهام‌گرفتن از شاهکارهای ادبی تاریخی شکسپیر و پی بردن به اهمیت تراژدی و با دیدگاه خاص طغیانگرانه دوران جوانی خود به نوشتن درام تاریخی پرداخت و در آثار خود در صدد پیوند ایده‌های خود در زمان حال، با رویدادهای تاریخی برآمد (پاسکال، ۱۹۶۴، ص ۵۱). از مهمترین آثار گوته، درام تاریخی او به نام **گوتس فون برلینشینگن**<sup>۵</sup> است، که اولین بار در سال ۱۷۷۳ منتشر شد و انقلابی عظیم در درام تاریخی آلمان ایجاد کرد و سرمشقی برای درام‌های تاریخی بعدی شد.

گوته تحریر این درام تاریخی خود را، که شکوفایی درام تاریخی در آلمان را در پی خود داشت، فقط مرهون شکسپیر نبود. در این میان دو نویسنده بزرگ ادبیات آلمان، یوهان گوتفرد هررد *Herder, Johann Gottfried* و یوهان یاکوب موزر *Moser, Johann Jakob* نیز نقش عمده‌ای داشتند. در این میان باید به خصوص از نقش عظیم موزر به نیکی یاد کرد، که ایده‌هایش سنگ بنای جهان‌بینی سیاسی و تاریخی گوته بود (زنگله، ۱۹۷۴، ص ۳۴).

گوته با نوشتن درام تاریخی **اگمونت**<sup>۶</sup> که اولین بار در سال ۱۷۸۸ به انتشار رسید، بر جایگاه خود به عنوان یک درام‌نویس معتبر و برجسته آلمانی صحنه گذاشت. نکته مورد توجه درباره درام تاریخی اگمونت این است، که گوته در سال ۱۷۷۵، یعنی زمانی که تحت تأثیر دوره «توفان و طغیان» بود، نوشتن این اثر را آغاز کرد و آن را در سال ۱۷۸۸، در دوره کلاسیک، به پایان رساند.

گوته با نگاه ویژه خود به گوتس و اگمونت که هر دو از قهرمانان آزادی‌بخش قرن شانزدهم و از سمبل‌های شکل‌گیری تاریخ آلمان به شمار می‌روند، به گونه‌ای در صدد بیان وضعیت خاص زمان خود بود. وی با تغییراتی اندک در این چهره‌های تاریخی، از آن‌ها شخصیت‌هایی ساخت که با افکار خاص او در آن زمان، در دوره «توفان و طغیان»، سنخیت داشته باشند. از تغییرات عمده‌ای که گوته در شخصیت اگمونت ایجاد کرد، تبدیل او از یک فرد متأهل و دارای یازده فرزند، به یک فرد مجرد و عاشق دخترکی به نام کلر و هم‌چنین تبدیل او از فردی متکی به نفس، آزاد و شکیبیا به فردی متکی به مردم، اطرافیان و معشوق خود بود، به فردی که به آزادی نیز به دیده شک و تردید می‌نگرد. در مورد گوتس نیز گفتنی است، که گوته او را به عنوان شخصیتی ارایه می‌دهد، که بر علیه امپراتور به قیام برمی‌خیزد و بعد از دستگیری در زندان جان می‌سپارد، در حالی که گوتس تاریخی از زندان آزاد می‌شود و در لشکرکشی‌های امپراتور علیه دشمنان رایش شرکت می‌کند.

3- *Hermann*

4- *Empfindsamkeit*

5- *Götz von Berlichingen*

6- *Egmont*

برای گوته مبارزه دو قهرمان ملی (مبارزه اگمونت به عنوان یک آزادی‌بخش هلندی علیه حاکمان اسپانیایی و مبارزه گوتس برای تجدید روحیه شوالیه‌گری) نگاهی انتقادی به سکون و عدم روح آزادیخواهی دوره «توفان و طغیان» بود، که در تضاد با فضای دوران جوانی نویسنده، که آمیخته از روحیه‌ای عصیانگرانه و خصمانه نسبت به نظام حاکم بود، قرار داشت.

گوته در این اوان به قدری شیفته و مفتون شکسپیر بود، که در گفت‌وگوی مورخ بیست و پنجم دسامبر ۱۸۲۵ خود با یوهان پتر اکرممان Eckermann, Johann Peter اذعان داشته است، که او با خلق آثاری چون **اگمونت** و **گوتس فون برلینشینگن** از سایه این نویسنده بیرون آمده است (گوته، ۱۹۸۶، ص ۱۵۲). البته در ارتباط با گوته و دیدگاه‌های خاص سیاسی و اجتماعی او باید این را حتماً ذکر کرد، که دید انتقادی و روحیه خصمانه او نسبت به نظام حاکم در دوره «توفان و طغیان»، بعدها دیگر تکرار نشد. این افکار او با گام گذاشتن به مرز میان‌سالی رو به خاموشی گرایید و در آثار بعدی او از چنین ایده‌هایی دیگر خبری نیست.

با وجود آن‌که درام تاریخی در دوره «توفان و طغیان» و در نزد گوته به اوج شکوفایی خود رسیده است، اما این نوع ادبی در دوره «کلاسیک» (۱۸۳۲-۱۷۸۶)، در نزد شیلر به گونه‌ای دیگر جلب نظر کرده است و اندکی سرفراز شده است. شیلر نقش عظیمی در تاریخ ادبیات آلمان دارد و در کنار گوته به درام تاریخی آلمان هویت خاصی بخشید. او همانند گوته در اوان جوانی روحی پرخاشگرانه نسبت به نظام حاکم داشت و حتی بسیار پر شورتر از گوته به نوشتن درام‌های تاریخی همت ورزید. شیلر در اولین درام تاریخی خود **دون کارلوس**<sup>۷</sup> (انتشار اولیه در سال ۱۷۸۷) به گوشه‌ای از مبارزات سیاسی در تاریخ پرداخت. شور و هیجان بسیار افراطی شیلر در این اثر او را از نگاه منطقی به ساختار درام تاریخی بازداشت. نویسنده در این اثر، وقایع تاریخی را به گونه‌ای ارایه می‌دهد، که فقط نشان اندکی از تاریخ را در آن می‌توان یافت. از جمله این تغییرات، عشق دون کارلوس به مادر ناتنی خود و اعدام او به دستور پدر (دون کارلوس واقعی در زندان از دنیا می‌رود) است، که در تاریخ اصلاً ذکر نشده است.

شیلر حتی در **والنشتاین**<sup>۸</sup> (انتشار اولیه در سال ۱۷۹۸) نیز از توجه به ایده‌آل‌های خود و مسایل صرفاً سیاسی صرف‌نظر نمی‌کند و از تأثیر عظیم سیاست بر رویدادهای تاریخی سخن می‌گوید، وی از خلق صحنه‌های سمبلیک ابایی ندارد و قهرمان اثر را بر خلاف واقعیات تاریخی به گونه‌ای جلوه می‌دهد، که اسیر سرنوشت خویش شده است.

شیلر در درام‌های تاریخی خود نه در پی بیان حقیقت منطبق بر ساختار درام تاریخی (تغییر رویدادها و شخصیت‌های تاریخی تا به آن جا که به کلیت آن لطمه‌ای وارد نشده و تحریف نشوند)، بلکه فقط و فقط در جهت ایده‌آل‌سازی حقایق تاریخی گام برداشته است. او در آثار خود دیدی بسیار انتقادی نسبت به نظام حاکم پیش گرفت، درام‌های تاریخی خود را هم سو با ایده‌های سیاسی خود شکل داد و در این راه جلوه‌ای دیگر از ساختار درام تاریخی را ارایه داد.

یکی از عوامل حرکت کند درام تاریخی در دوره «کلاسیک»، که به خصوص نزد شیلر به چشم می‌خورد، این نکته نیز بود، که این نویسنده قبل از آن‌که به بعد تاریخی در درام‌های خود توجه داشته باشد، به بعد مذهبی آن پرداخته است و رویدادهای تاریخی را تحت‌الشعاع اعتقادات مذهبی خود قرار داده است. این نکته به‌خصوص در درام تاریخی **ژاندارک**<sup>۹</sup> (انتشار اولیه در سال ۱۸۰۱) به چشم می‌خورد، که در آن بعد مذهبی این درام تاریخی تمامی مسایل دیگر، چه اجتماعی و چه سیاسی را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. نکته‌مورد توجه دیگر در این اثر است، که شیلر آن را به یک تراژدی محض مبدل ساخته است.

در **ویلهلم تل**<sup>۱۰</sup> (انتشار اولیه در سال ۱۸۰۴) نیز، اگر چه شیلر بر خلاف درام‌های تاریخی گذشته خود به واقعیات تاریخی توجه بیشتری نشان داده و از ایده‌آل‌سازی افراطی گذشته خود نسبت به تاریخ دست کشیده است، اما هنوز هم تاریخ برای او در مرحله دوم اهمیت قرار دارد و ایده‌آل‌سازی و نگاه افراطی به سیاست نقش عمده‌ای در درام او دارند. تغییر عمده‌ای که نویسنده در این اثر داده، اتوپیایی بودن آن است. درباره درام‌های تاریخی شیلر، ذکر این نکته لازم است، که صرف‌نظر از حقایق تاریخی، که در آثار نویسنده تقریباً گم شده‌اند، می‌توان آن‌ها را در کنار درام‌های تاریخی گوته، از شاهکارهای ادبیات آلمان در زمینه درام تاریخی قلمداد کرد (زنگله، ۱۹۷۴، ص ۵۷).

در دوره «رمانتیک» (۱۸۳۵-۱۷۹۸) درام تاریخی آلمان تا اندازه‌ای از محو شدن، که در دوره کلاسیک آن را تهدید می‌کرد، نجات یافت، اما از شکوفایی دوره توفان و طغیان هم چندان خبری نیست. توجه اغلب درام‌نویسان آلمانی در این دوره بیشتر معطوف به داستان‌های مذهبی و به خصوص به کتاب مقدس بود و این نویسندگان، درام‌های تاریخی خود را در سایه خدمت به ادیان و اعتقادات مذهبی شکل داده‌اند (همان، ص

7- *Don Karlos*

8- *Wallenstein*

9- *Die Jungfrau von Orleans*

10- *Willhelm Tell*

نویسنده‌ای که باید درام‌های تاریخی او را به عنوان آثار برتر در این زمینه، در دوره «رمانتیک» نام برد، هاینریش فون کلايست است. البته در مورد درام‌های تاریخی این نویسنده (از جمله آثار او می‌توان **نبرد هرمان**<sup>۱۱</sup> را نام برد، که اولین بار در سال ۱۸۲۱ به چاپ رسید و بر خلاف واقعیات تاریخی رنگ سیاسی به خود گرفت. از درام‌های تاریخی مهم دیگر هاینریش فون کلايست، باید اثری چون **پرنس فریدریش فون هومبورگ**<sup>۱۲</sup> را نام برد، که انتشار اولیه آن در سال ۱۸۲۱ است. کلايست در این اثر بر خلاف حقایق تاریخی، صحنه‌هایی سمبولیک چون بازجویی و دفاعیه افزوده است)، باید ذکر کرد که او سعی دارد، با توجه افراطی خود به زمان حال، رویدادهای تاریخی را در آثار خود تقریباً محو سازد، از این روست که او به تلفیقی از گذشته و حال در درام‌های تاریخی خود دست نمی‌یابد. با این وجود، چنین کاستی از اهمیت هاینریش فون کلايست در خلق درام تاریخی نمی‌کاهد.

اگر چه در دوره‌های ادبی بعد از «رمانتیک»، بسیاری از نویسندگان آلمانی درام‌های تاریخی چندی خلق کرده و با چنین آثاری در جهت رونق درام تاریخی در آلمان گام برداشته‌اند، اما از شکوفایی گذشته آن، که به خصوص نزد گوته و در کنار او شیلر و تا اندازه‌ای نیز کلايست، دیده شد دیگر خبری نیست و از اهمیت آن نیز تا اندازه‌ای نزد درام‌نویسان کاسته می‌شود.

ذکر چنین مطالبی توسط نویسنده این مقاله نباید در ذهن خواننده این شبهه را ایجاد کند که بعد از دوره «رمانتیک» درام تاریخی خاصی در آلمان به چاپ نرسیده است، اما آنچه در کل جلب نظر می‌کند، «روی آوردن به خشونت، گذشتن از روی اجساد و پا گذاشتن بر روی مسائل اخلاقی بود. مشخصه اصلی این بود که تاریخ با خون نوشته می‌شود». (زنگله، ۱۹۷۴، ص ۱۹۸). چنین دیدگاهی نقطه مقابل درام‌های تاریخی پیشین بود که بیشتر به بعد اخلاقی نظر داشتند.

در دوره «بیدرمایر»<sup>۱۳</sup> (۱۸۵۰-۱۸۲۰) باید از نقش عظیم درام‌نویسی چون فرانس گریپارترسر Grillparzer, Franz یاد کرد که با تلاش خود در جهت حفظ هویت درام تاریخی آلمان گام برداشت. درام تاریخی او تحت عنوان **دوران سعادت و مرگ شاه اتوکار**<sup>۱۴</sup> (انتشار اولیه در سال ۱۸۲۵)، از آثار برتر در زمینه درام تاریخی در ادبیات آلمان است و نویسنده در آن توجه خاصی به سبک شکسپیر داشته است (فرنستل، ۱۹۹۱، ص ۳۵۸). یکی از تغییرات عمده در این درام نسبت به حقایق تاریخی، تکیه نویسنده بر نقش انسان در تعیین سرنوشت و بالطبع بعد سیاسی آن است.

در اواخر دوره «بیدرمایر» و در زمانی که مدرنیسم به تدریج بر ادبیات آلمان سایه می‌افکند، چند درام تاریخی مهم دیگر توسط چند درام‌نویس مطرح آلمانی به چاپ رسیده‌اند. از نویسندگانی که به خلق درام‌های تاریخی در دوره «آلمان جدید»<sup>۱۵</sup> (۱۸۵۰-۱۸۳۰) همت ورزیدند، می‌توان به کریستیان دیتریش گرابه Grabbe, Christian Dietrich اشاره کرد. یکی از آثار مهم این درام‌نویس، درام تاریخی او، به نام **ناپلئون و صد روز**<sup>۱۶</sup> (انتشار اولیه در سال ۱۸۳۱) است. نویسنده به بهانه حکومت صد روزه ناپلئون، شرایط سیاسی و عواقب حاکمیت ناپلئون را نشان می‌دهد. از گئورگ بوشنر Büchner, Georg که مهمترین اثر او **مرگ دانتون**<sup>۱۷</sup> (انتشار اولیه در سال ۱۸۳۵) است، نیز باید به نیکی یاد کرد. از تغییراتی که نویسنده در این درام نسبت به منابع تاریخی ایجاد کرد، محاکمه سریع دانتون، خودکشی همسر دانتون و دید بسیار بدبینانه دانتون و انقلابیون نسبت به انقلاب است.

گئورگ بوشنر یکی از آخرین نویسندگان به نام آلمانی در زمینه خلق آثار تاریخی است. درام تاریخی او **مرگ دانتون** را نیز می‌توان یکی از آخرین آثار مهم درام تاریخی در ادبیات آلمان قلمداد کرد.

با شروع عصر جدید، کلمه مدرن مرکز ثقل و تکیه کلام ادبیات آلمان شد. از این زمان توجه نویسندگان به درام‌های تاریخی فقط در جهت امیال سیاسی شکل گرفت و از اهداف اساسی خود فاصله گرفت. توجه بیش از حد به سیاست، نویسندگان درام تاریخی را از تفکر منطقی در چگونگی تحریر درام‌های تاریخی بازداشت. البته نباید این نکته را نادیده گرفت که کلمه مدرن نیز به گونه‌ای مبارزه علیه تاریخ و گذشته قلمداد می‌شد. این نکته را به خصوص می‌توان در دیدگاه هگل مشاهده کرد، که کلمه «داستانی»<sup>۱۸</sup> را که یکی از مشخصه‌های اصلی درام تاریخی بود، به فراموشی سپرد.

11- *Die Hermannschlacht*

12- *Prinz Friedrich von Homburg*

13- *Biedermeier*

14- *König Ottokars Glück und Ende*

15- *Das Junge Deutschland*

16- *Napoleon und die hundert Tage*

17- *Dantons Tod*

18- *Das Epische*

تأثیری که شکسپیر بر ادبیات آلمان و به‌خصوص درام تاریخی داشته است، با تمامی فراز و نشیب‌های آن، تا شروع جنگ جهانی اول نیز ادامه یافت. تا این زمان بسیاری از نویسندگان آلمانی با الگو گرفتن از آثار بی‌ظنیر شکسپیر و همچنین گوته در صدد تحریر درام‌های تاریخی برآمده‌اند.

از آثاری که می‌توان آن‌ها را در اواخر قرن نوزدهم به گونه‌ای در شمار درام‌های تاریخی آلمان قرار داد، کتاب‌های آگنس برناور Agnes Bernauer، نوشته فریدریش هبل Hebbel, Friedrich (انتشار اولیه در سال ۱۸۵۲) در دوره رئالیسم (۱۸۹۰-۱۸۵۰) و فلوریان گایر<sup>۱۹</sup> نوشته گرهارد هاوپتمان Hauptmann, Gerhart (انتشار اولیه در سال ۱۸۹۶) در دوره ناتورالیسم (۱۹۰۰-۱۸۸۰) می‌باشند.

### نتیجه‌گیری

بررسی درام تاریخی در آلمان نشان دهنده این نکته است که این نوع ادبی تا دوره «توفان و طغیان»، عصر تأثیرگذاری عظیم شکسپیر و آثار ادبی او، به‌ویژه درام‌های تاریخی این نویسنده بزرگ انگلیسی بر ادبیات آلمان و درام تاریخی، حرکتی کند داشت. یکی از علل اساسی در ناموفق بودن درام تاریخی قبل از دوره «توفان و طغیان»، عدم علاقه نویسندگان آلمانی در خلق چنین آثار و نگاهی آکنده از شک و تردید نسبت به این نوع ادبی بود. از دیگر دلایلی که باعث شد، با وجود تلاش بعضی از درام‌نویسان آلمانی در دوره‌های قبل از «توفان و طغیان»، درام تاریخی خاصی در آلمان خلق نشود، این بود که این نویسندگان قادر به ایجاد فضای مورد نیاز در چنین آثاری نبوده‌اند. چنین عواملی باعث شدند، که تحول پدیده درام تاریخی در آلمان دیرتر از حد انتظار انجام بگیرد.

در دوره «توفان و طغیان» نویسنده بزرگ آلمانی، یوهان ولفگانگ فون گوته، با الهام گرفتن از آثار شکسپیر و متأثر از دو اختر ادبیات آلمان «هردر و موزر» به نوشتن درام تاریخی پرداخت و آن را به اوج شکوفایی رساند. فریدریش فون شیلر، اگرچه با نگاه بسیار افراطی و ایده‌آل‌سازی رویدادهای تاریخی، از توجه کامل به ساختار درام تاریخی باز ماند، اما می‌توان او را در زمره نویسندگانی قرار داد، که مسیر درام تاریخی در آلمان را هموار کرد. از نقش ویژه هاینریش فون کلايست نیز باید یاد کرد، که در کنار گوته و شیلر، در زمینه تحول درام تاریخی در آلمان، گام‌های اساسی برداشته است.

اگر چه درام تاریخی آلمان بعد از دوره «توفان و طغیان» و در دوران «کلاسیک» و «رمانتیک» از رونق چندانی برخوردار نشد، اما به حیات خود ادامه داد. با شروع عصر جدید و تکیه بر کلمه مدرن در ادبیات، از اهمیت این سبک ادبی در آلمان کاسته شد. با این وجود تأثیری که شکسپیر بر درام تاریخی آلمان داشته است، تا شروع جنگ جهانی اول هم چنان پا بر جای ماند. با شروع جنگ جهانی اول، از رغبت درام‌نویسان به نوشتن درام تاریخی در آلمان کاسته شد، تا آنجا که نمی‌توان از اثر خاص دیگری، نام برد.

### منابع

- 1- Aristoteles, Poetik. In: Fuhrmann, M., (Übersetzt und Hrsg.), *Aristoteles- Poetik*, Stuttgart, 1981.
- 2- Frenzel, H. A. u. E., *Daten deutscher Dichtung – Chronologischer Abriss der deutschen Literaturgeschichte*, 26. Auflage, Köln, 1991.
- 3- Goethe, J. W. v., „Gespräche“. In: Beutler, E., (Hrsg.), *Goethes sämtliche Werke*, Bd. 22. Zürich, 1949 a.
- 4- ————— „Gespräche mit Eckermann“. In: Schlaffer, Heinz (Hrsg.), *Goethes sämtliche Werke*, Bd. 19, Teil I, München, 1986 b.
- 5- Hinck, W., Einleitung – zur Poetik des Geschichtsdramas“. In: Hinck, W. (Hrsg.), *Geschichte als Schauspiel*, Frankfurt/Main, 1981.
- 6- Pascal, R., "Goethe und das Tragische". In: Wachsmuth, A.B. (Hrsg.), *Goethes Jahrbuch*, Bd. 26, Weimar 1964.
- 7- Schiller, F. v., „Briefwechsel zwischen Schiller und Goethe (1794-1805)“. In: Beetz, M. (Hrsg.), *Goethes sämtliche Werke*, Bd. 8; Teil I, München, 1990.
- 8- Sengle, F., *Das historische Drama in Deutschland – Geschichte eines literarischen Mythos*, Stuttgart, 1974.